

یادداشتی از مهرداد صدرنفیسی؛

نقد سه فیلم کوتاه ماجان، سفید پوش، درخت ترش

روز گذشته در پاتوق فیلم کوتاه شیراز سه فیلم کوتاه تحت عناوین: ماجان، سفید پوش و درخت ترش روی پرده نقره ای سینما غزال هنرنمایی کردند.

به گزارش خبر، مهرداد صدر نفیسی در یادداشت ارسالی با موضوع "نقد سه فیلم کوتاه ماجان، سفید پوش، درخت ترش" به پایگاه خبری گزارش خبر آورده است؛

فیلم کوتاه ماجان اثری است که در نمایش دنیای کودکان تا حد زیادی موفق عمل می کند. فیلم با نماهایی از فضای روستایی آغاز می شود. المان های کوچکی که در نماهای آغازین فضای روستا نمایش داده می شود، هر یک نمایانگر چیزی هستند که در ادامه فیلم به خوبی از آنان استفاده می شود.

کاراکتر معلم فردی است که رندانه عمل می کند و از دانش آموزان و متولیان امور استفاده می کند تا بودجه ترمیم مدرسه تامین شود. قصه فیلم در گرو دانش آموزانی است که بنا به درخواست معلم مدرسه، باید انشایی با مضمون سفر به مشهد و زیارت حرم امام رضا بنویسند. شاید بتوان گفت، دغدغه خالق اثر نمایش دنیای فانتزی و بی آرایش کودکان است که زیارت را در تلفیق قصه مادر بزرگ (ماجان) خویش و همچنین امامزاده روستای خود می یابد. چرا که او تنها کسی است که به مشهد سفر نکرده و احساس می کند با زیارت در روستای خود زیارت امام رضا را به جا آورده است.

در واقع کودک خاطرات و صفای سال ها پیش ماجان را در امامزاده می یابد.

موسیقی انتخاب شده همراه با اشعار حافظ به خوبی با فیلم همخوانی دارد و موسیقی تا انتهای قصه (تیتراژ) همراه می شود. نکته ای دیگر که در خلال فیلم باید به آن توجه کرد استفاده از فضای سیاه و سفید فیلم است، که نمی توان توجیه قابل قبولی برای آن یافت. در واقع با توجه به فضای لطیف و فانتزی دانش آموزان بهتر بود از فضای سبز روستا استفاده شود. فیلم ماجان اثری است خوش ساخت که می تواند مخاطب را برای چندین مرتبه تماشا وسوسه کند.

فیلم کوتاه سفید پوش، اثری است که به فاکتور مسؤلیت پذیری دنیای کودکان تنه می زند و از این طریق مخاطب را با کاراکتر اصلی قصه همراه می کند تا خلوص دنیای کودکان را به او نشان دهد.

فیلم کوتاه سفید پوش به شدت وام دار فیلم خانه دوست کجاست؟ اثر زنده یا عباس کیارستمی است. فیلم آنقدر از فضای فیلم خانه دوست کجاست؟ استفاده کرده است، که حتی در انتخاب لباس کاراکتر کودک نیز از این فیلم نمونه برداری کرده است.

در انتخاب کاراکتر پدر کودک کارگردان نیز از بهزاد دورانی بهره می گیرد. بازیگری که با فیلم های کیارستمی ناآشنا نیست و چنین فضایی را به خوبی می شناسد. در واقع خالق اثر خواسته با پیاده کردن فضای فیلم کیارستمی برای خود اعتباری پیدا کند؛ اما دریغ که در این راه فقط به ظواهر اثر پرداخته و از بن مایه و به خصوص از فیلمنامه اثر خویش غافل مانده است.

در اوایل دهه ۹۰ بعد از توفقی چند ساله استفاده از فضای روستایی در فیلم ها مجددا آغاز شد. که از این دست فیلم ها می توان به "یه حبه قند" اثر رضا نیز کریمی و "یک عاشقانه ساده" اثر سامان مقدم اشاره کرد. فضایی که گویی به مذاق متولیان سینمایی بسیار خوش آمد و فیلم به حبه قند را به عنوان نماینده ایران برای اسکار انتخاب کردند. حالا نیز پس از چند سال، مجددا فیلمی از این دست و در این حال و هوا به عنوان اسکار ایران معرفی شده است.

فیلمنامه فیلم اقتباسی آزاد از قصه "نعلیکی پنیر" اثر محمد حسین علا است که به گفته کارگردان قصه در ذهن شخصیت اصلی قصه می گذرد و او با تغییراتی قصه خود را در فیلمنامه پیاده می کند.

فیلمساز از المان هایی همچون مسیرهای صعب العبور فضای روستا، سرما، شب، صدای سگ به خوبی برای نمایش دشواری راه کودک استفاده می کند.

اما نکته اصلی اینجاست که آیا می توان ادعا کرد که اگر این فضای منحصر به فرد روستایی از قصه و فضای اثر حذف گردد، باز هم می توان شاهد اثری در خور بود؟ به احتمال زیاد پاسخ این سوال منفی است. چرا که بحران مسؤلیتی که روی دوش کودک گذاشته شده، آنچنان که باید باشد برای مخاطب مهم تلقی نمی شود؛ و این از ضعف فیلمنامه است.

در واقع فیلمساز هر چند از نماهای زیبا و متناسب در خلال فیلم استفاده می کند، اما او با استفاده از فضای منحصر به فرد روستا و یکسری المان ها خود را در پیش برد فیلم راحت کرده است.

در فیلم کاراکتر کودک برای آنچه که برای به دست آوردن آن تلاش می کند، تنها یک کار بلد است انجام دهد، و آن استخراج نفت از مخزن نفتی است. این تمثیل کارگردان بسیار خوب و به جا استفاده می شود. چرا که این دقیقا شرایطی است که در اجتماع اقتصادی ایران حاکم است. در این اجتماع، ملک ایران برای به دست آوری هر آنچه بدان نیاز مبرم دارد فقط می تواند به استخراج نفت دست بی آویزد.

نکته منفی دیگری که برای فیلم می توان لحاظ کرد، ایرادات صدا گذاری در فیلم است. به عنوان مثال در سکانسی که پدر اعلام مخالفت خود را برای رضایت گرفتن اعلام می دارد، صدای او روی فیلم به خوبی نمی نشیند و گویی دیالوگ های او بعدا و طی مراحل صداگذاری برای فیلم در نظر گرفته

شده است.

فیلم سپید پوش با اینکه نماینده ایران در اسکار ۲۰۲۲ است، به خوبی نتوانسته است از تمام فاکتورهایی که اثر در اختیار او می گذارد استفاده کند. انیمیشن درخت ترش اثری است ضد جنگ که مصائب روحی جنگ بر نسل های گذشته و بعدی را با ظرافت بسیاری نقاشی می کند.

اثر پیش رو به خوبی از پس رنج دوران بر نسل نوزادی که تولدش با جنگ گره خورده استفاده می کند و این رنج را با توانایی بالا به نمایش می گذارد. انیمیشن درخت ترش از نمادهای زیادی در حین اثر استفاده می کند. نمادهایی که به دلیل تکثر، گره گشایی از آنان برای مخاطب سخت می شود. چرا که در مدت زمان کوتاه فیلم مخاطب زمانی برای واکاوی نمادهای فیلم ندارد. به صورت کلی انیمیشن درخت ترش اثری فاخر در فی ضد جنگ است که ارزش چندین مرتبه تماشا را دارد.